

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۸

بررسی فقهی امارات علمی در اثبات جرائم

محمد اسدی مهماندوست^۱

سلیم شکریان^۲

چکیده

با توجه به تغییر و تحول در علم حقوق؛ همانند سایر علوم، دوره اخیر با عنوان «ادله علمی» تعبیر می‌شود و منظور از آن، به کارگیری دستاوردهای علوم و فناوری؛ همچون آزمایش DNA در فرایند جرم‌یابی، و رسیدگی کیفری است، از این رو لازم است در مورد آن‌ها از منظر فقه جزائیه اسلامی بحث و بررسی صورت گیرد تا جواز به کارگیری و اعتبار و نداشتن اعتبار آنها روشن شود. ادله در جرائم حق الله «موضوعیت» دارد در نتیجه آن‌ها را نمی‌توان با استفاده از شیوه‌ها و ادله علمی ثابت کرد؛ ولی می‌توان متهمان به این نوع جرائم را با استفاده از راه‌های علمی و با ایجاد شبهه تبرئه کرد؛ اما در احقاق حقوق الناس به دلیل اهمیت آن از نظر شارع مقدس، می‌توان از شیوه‌های علمی استفاده کرد؛ به دلیل آنکه ادله در این گونه امور «ظریقی» دارد و قاضی می‌تواند در راستای احقاق حقوق الناس از تمام ظرفیت‌ها و از جمله از راه‌های علمی اثبات جرم استفاده کند. بدین شیوه، بسترهای حقوق اجتماعی که متضمن امنیت جامعه است فراهم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امارات علمی، فقه جزایی اسلامی، امنیت اجتماعی، جرم‌یابی، بررسی فقهی.

mohamad-asadi-m@yahoo.com.
Sal@Sabamail.com

۱ - استادیار فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری
۲ - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق (نویسنده مسئول)

مقدمه

انسان بالضروره و بالفعل، موجودی اجتماعی است و در کنار دیگران زندگی می‌کند و این شیوه زندگی خواه‌ناخواه تضاد منافع را به همراه خواهد داشت که باعث پایمال نمودن حقوق دیگران شده و متعاقباً برای رفع خصومت، رسیدگی در محاکم آغاز می‌شود و شخصی به‌نام قاضی در بین آنان داوری می‌نماید؛ بنابراین از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرمودند «لویعطی الناس بدعواهم لا دعی رجال دماء رجال و اموالهم و لكن البینه علی المدعی و الیمن علی من انکر» (الزحیلی، ۱۹۹۴: ۳۴). اگر دعاوی مردم بدون دلیل پذیرفته می‌شود، مردم خون و مال دیگران را ادعا می‌کردند از این‌رو ادعای محض پذیرفته نیست؛ بلکه بر عهده مدعی است که بینه اقامه کند و یمین بر عهده کسی است که انکار کند. بدین وسیله اسلام به این مهم پرداخته و راه‌هایی را به عنوان ادله قابل ارائه به محکمه بیان کرده است که عبارتند از: یمین، بینه، علم قاضی و اقرار در سایه رشد صنعت و پیشرفت علوم و فناوری، جوامع بشری پیشرفت کرده و از حالت سنتی خود خارج شده است و این روند همه ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است؛ از این‌رو ارتکاب جرائم نیز از شیوه سنتی خود فاصله گرفته و به شکل فنی و تخصصی و احیاناً سازمان یافته، توسط مجرمان حرفه‌ای با به‌کاربردن علوم و فنون مختلف انجام می‌شود. در نتیجه ادله یادشده یا اصلاً قابل اقامه و ارائه نیست و یا برای مبارزه با جرائم، به‌ویژه جرائم جدید و فنی کافی نیست. از این‌رو، به حکم ضرورت قضائی و نیز لزوم دادرسی بر اساس حق و عدل و انصاف، قضات باید از دلایل و شواهد بهره گیرند. بنابراین استفاده از سایر روش‌های اثبات جرم ضروری به نظر می‌رسد که مبتنی بر تأمین امنیت جامعه است؛ زیرا آنچه مهم است، کشف حقیقت، احقاق حقوق شهروندان، اجرای عدالت و برقراری نظم و امنیت جامعه بوده و ناشی از رفتارهای منضبط و قاعده‌مند که باعث اقتدار اجتماعی و اقتدار قانونی عقلانی متکی به قوانین غیرشخصی است که مهم‌ترین نوع اقتدار (اقتدار قانونی و عقلانی) و موضوعی حیاتی است. از جمله این شیوه‌ها راه‌های علمی اثبات جرم است که در سایه پیشرفت علوم و فناوری، عموماً در اختیار بشر و به‌ویژه در اختیار دستگاه قضائی قرار گرفته است و اگر از آنها در فرایند کشف جرم و رسیدگی استفاده نشود، قطعاً مجرمان و جانپان از آن استفاده کرده و از چنگ عدالت خواهند گریخت و باعث ناامنی در سطح جامعه خواهند شد. در نتیجه ادله سنتی یاد شده بسنده نبوده و جمود در آن کافی به نظر نمی‌رسد (آخوندی، ۱۳۷۲: ۱۲۹).

اهداف تحقیق

هدف در این نوشتار بررسی اعتبار راه‌های علمی اثبات جرم از منظر فقه اسلام است تبیین

مصادیق جرم به روش امارات علمی و نظریه فقهی در ارتباط با این روش؛ جمع‌آوری و مدون نمودن رویه‌ها و روش‌های فقهی و حقوقی در این خصوص برای اثبات جرم و استفاده موردی در دادسراها و برای ضابطین قضائی و پلیس علمی نیروی انتظامی از مهم‌ترین موارد این پژوهش است.

سؤال پژوهش

سؤالی که متناسب با موضوع مقاله به ذهن می‌رسد، این است که آیا از نظر فقه اسلامی امارات علمی از اعتبار قضائی برخوردارند؟

فرضیه‌های پژوهش

امارات علمی اثبات جرم که به روشن شدن زوایای مبهم پرونده‌ها به قضات کمک می‌کند، اگر مخالف ادله سنتی اثبات جرم، یعنی شهادت شهود، علم قاضی و اقرار متهم و اوضاع و احوال مسلم پرونده نباشد و با نظریه سایر متخصصان متضاد و متعارض نباشد، از نظر فقه جزائی اسلام، دست کم در حقوق الناس - که مورد اهتمام جدی شارع مقدس است - حجت و معتبر است. به‌ویژه در مواردی که به دلیل نبود ادله سنتی، حقوق مردم در شرف تضییع است؛ ولی در حدود اسلامی که باید از روش‌های منصوص ثابت شود، راه‌های علمی قابل استناد نیست؛ به‌ویژه در جرائم عفا فی که اصل ستر و جرم‌پوشی در مورد آن‌ها جریان دارد.

پیشینه پژوهش

هر چند امارات علمی اثبات جرم در یکی دو قرن اخیر در سایه پیشرفت علوم و فناوری و صنایع به مرور زمان ایجاد شده و به شکل امروزی رسیده است ولی تنها در بعد تبیین و توصیف مصادیق آن، کتاب‌هایی نوشته شده است که اغلب روش‌های علمی برای اثبات جرم را ذکر نموده‌اند. با توجه به اینکه تنها منبع اصلی برای قاضی در جرائم حدودی، ادله سنتی است؛ کتابی در رابطه با دلائل شرعی اثبات جرم و با دلائل علمی به صورت مشخص و گویا تألیف نشده است. با توجه به وضعیت کنونی و پیشرفت علم در مورد ارزش قضائی امارات علمی، اینکه تا چه اندازه می‌توان بدان‌ها اعتماد کرد و متهمان را با استناد به این‌گونه دستاوردها به تحمل مجازات محکوم کرد، تحقیق و تألیفی چه از نظر فقهی و چه از نظر حقوقی صورت نگرفته است. در بیشتر کتاب‌های حقوقی دلائل علمی بیان شده؛ اما تأیید آن توسط شارع بیان نگردیده است؛ برای مثال دکتر ولی‌الله انصاری، در کتاب کشف علمی جرائم، راهنمای شناخت و تشخیص درست از نادرست دلائل علمی را، علم دانسته است و مراد از علم را هر دانستنی قابل اثبات یا مطمئن دانسته است.

به همین دلیل نویسندگان این مقاله تلاش کرده‌اند، از منابع فقهی و حقوقی مطالبی گردآوری و ارائه نمایند.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای فقهی و حقوقی و مراجعه به وب‌گاه‌های فقهی و حقوقی انجام گرفته است.

۱- تاریخچه تحولات و جایگاه ادله اثبات جرم

به اجماع جامعه‌شناسان، جامعه همواره در حال تحول و تکامل بوده و هست و به تبع همین تحول، دادرسی کیفری نیز تحول و تکامل یافته است از این‌رو، ما در کتاب‌هایی که در این راستا تدوین یافته‌اند، روش‌های دادرسی، همچون روش اتهامی، تفتیشی و مختلط را می‌بینیم که نشانگر تغییر و تحول و تکامل در این حوزه از دانش بشری است.

ادله اثبات جرم هم- که یکی از مباحث مهم رسیدگی‌های کیفری است- از این تغییر و تحول و تکامل باز نمانده است (نجابتی، ۱۳۸۱: ۱)؛ بلکه پایه‌پای تحولات اجتماعی و حقوقی، متحول و متکامل شده و ادوار مختلف را به خود دیده است، بررسی جایگاه ادله اثبات جرم از نظر فقه اسلامی، مبحث بعدی این مقاله را تشکیل می‌دهد، بدین معنا که ادله ارائه شده در دادگاه، در فرایند رسیدگی و اثبات جرم از چه جایگاهی برخوردار است. استادان آیین دادرسی کیفری، برای اثبات جرم و تحولات آن، از شش دوره یاد کرده‌اند که در ادامه بیان می‌گردند:

۱-۱- دوره اول

در این دوره اعتبار و قبول و دلیل و تعیین ارزش آن، متعاقباً به مجنی علیه و رؤسای قبایل بستگی داشته و اختیارات آن‌ها در این امر، دارای حد و مرزی نبوده است (ضرابی، ۱۳۷۲: ۱۸۸). شیوه اثبات جرم و حتی میزان مجازات، تابع قواعد از پیش تعیین شده نبود و در هر منطقه‌ای و در هر قبیله‌ای به شکل خاصی عمل می‌شد (آشوری، ۱۳۷۹: ۲۳۲).

۲-۱- دوره دوم

در این دوره گردآوری دلیل یا از راه آزمایش به عمل می‌آید و متهم این آزمایش را تحمل می‌کرده و یا دلیل از راه‌های ادای سوگند به دست می‌آمده. مواردی هم بوده که در مقام کسب دلایل فوق العاده، از قبیل جنگ تن‌به‌تن و سوزاندن برمی‌آمدند (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۲۷۳).

این دوره را عده‌ای از نویسندگان، دوره مذهبی می‌نامند؛ چون احکام به‌نام خداوند صادر می‌شد

و اعتبار دلایل مطلقاً منوط به نظر رؤسای مذهبی بوده است (هدایتی، ۱۳۴۲: ۶۴).

۳-۱- دوره دلایل قانونی

دوره سوم که از آن به «نظام ادله قانونی» و «دلایل قانونی» یاد می‌کنند، از نظر تاریخی در امپراتوری روم سفلی معمول بوده و در اروپای غربی، از اوایل قرن دوازدهم بر رسیدگی‌های کیفری حاکم شده یا در قرون وسطی در کشورهای اروپایی در راستای محدود نمودن اختیارات قضات ایجاد شده است (آشوری، ۱۳۷۹: ۲۳۲).

۴-۱- دوره اقناع وجدانی قاضی

با پذیرش اصل برائت در یکی دو قرن اخیر (همان: ۱۳۵) توسط حقوقدانان و قانون‌گذاران دنیا (اقناع وجدانی قاضی) یا «دلایل معنوی» به تدریج جایگزین نظام ادله قانونی شد. در اسلام اصل برائت پذیرفته شد و این مفهوم از پاره‌ای از آیات قرآن کریم؛ مانند آیه ۸ و ۷۷ سوره یوسف استفاده می‌شود. این مفهوم در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بدین صورت یاد شده است: «اصل بر برائت است و هیچ کس از منظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

۵-۱- دوره مختلط

در این دوره، صدور حکم محکومیت متهم به آن وابسته بود که اولاً، از دلایل قانونی و مورد نظر قانون‌گذار استفاده شود و ثانیاً دلایل قانونی مورد استناد قضات، برای آنها اطمینان و وجدانی حاصل نماید؛ در غیر این صورت، دادگاه به استناد اصل برائت، چاره‌ای جز صدور حکم ندارد. بسیاری از حقوقدانان ایرانی، نظام ادله در اسلام را بر نظام یادشده؛ یعنی «نظام دلایل مختلط» منطبق می‌دانند. با این توضیح که در باب حدود و قصاص، نظام ادله قانونی و در باب تعزیرات و جرائم مستوجب مجازات‌های بازدارنده، نظام دلایل معنوی و اقناع وجدانی قاضی را ساری و جاری می‌دانند.

۶-۱- دوره ادله علمی

در اثر پیشرفت علمی، به ویژه در علوم انسانی و همچنین تحت تأثیر عقاید مکتب تحقیقی؛ از جمله «آنری کوفری» جانشین شدن دوره ادله علمی را نسبت به روش‌های قبلی، پیش‌بینی و خود از آن استفاده می‌کرد و به تدریج برای جمع‌آوری دلایل و کشف حقیقت، استفاده از وسایل علمی به جای روش‌های قدیمی گردآوری دلیل نشسته است. بی‌تردید پیدایش علوم و فنون جدید در طرز کار دادگستری و پلیس قضائی بی‌تأثیر نیست و توجه به ادله علمی یا راه‌های علمی اثبات جرم تازگی ندارد؛ بلکه از اواخر قرن نوزدهم استفاده از یک سری تجربیات علمی، در

راستای کشف جرم و شناسایی مجرمان به کار گرفته شده است. از این رو می‌بینیم در مراکز پلیس دنیا و از جمله ایران، مراکزی تحت عناوین مختلف نظیر «آزمایشگاه جنایی» یا «آزمایشگاه پلیس علمی» ایجاد و راه‌اندازی شده و در نهایت علم جدیدی به نام جرم‌یابی بر شاخه‌های علوم جنایی افزوده شد و پایه‌پای توسعه و پیشرفت علوم تجربی، امکانات علمی و محکمه‌پسند بیشتر و مؤثرتری برای کشف و اثبات جرم، فراروی پلیس و محاکم قرار می‌گیرد (نجابتی، ۱۳۸۱: ۲). از این رو، می‌توان گفت: آینده از آن ادله علمی است؛ زیرا:

اولاً: از این امکانات ایجاد شده به نفع و اثبات بی‌گناهی متهم نیز بهره‌برداری می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۷۴: ۲۷۴). چنان که از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است (در مباحث فقهی از آن تحت عنوان قاعده درء یاد می‌شود) ایشان فرمودند:

«إِدْرُوءَ الْحُدُودِ عَنِ الْمُسْلِمِينَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ الْأَمَامَ لَأَنْ يَخْطِيَةَ فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَخْطِيَةَ فِي الْعُقُوبَةِ» تا آنجا که می‌توانید مجازات‌ها را از مسلمانان باز دارید؛ زیرا اگر پیشوایی در بخشش خطا کند، بهتر از آن است که در مجازات مرتکب خطا گردد. (پاینده، ۱۳۴۴: ۲۱). اگر گروه خونی متهم یا گروه خونی فرزند نامشروع مطابق فرمول‌های خاص و جدول توارث گروه‌های خونی، هم‌خوانی نداشته باشد و نیز اگر گروه خونی متهم با گروه خونی به جا مانده در صحنه جرم هم‌خوانی نداشته باشد، متهم به طور قطع از انتساب به جرم عمل نامشروع و در نتیجه الحاق فرزند نامشروع به او در فرض اول و از جرم ارتکاب یافته در فرض دوم تبرئه می‌شود. هر چند در صورت هم‌خوانی با گروه خونی او، متهم لزوماً محکوم نمی‌شود؛ زیرا افراد زیادی ممکن است وجود داشته باشند که گروه خونی مشابهی با متهم پرونده دارند.

ثانیاً، راه‌های علمی اثبات جرم، مکمل نظام اقناع وجدانی قاضی است که مطلوب‌ترین نظام گردآوری دلیل، مطرح و تقریباً در همه کشورهای جهان حاکم است؛ نه نافی و جانشین آن (ضرابی، ۱۳۷۲: ۱۸۹). ثالثاً: ادله علمی چنان که از اسمش پیدا است، دنباله‌رو پیشرفت علم و فناوری است و قافله علم بیش از پیش هم چنان جلو می‌تازد و در این راستا نیاز به فقه پویایی است که از لحاظ شرعی پاسخگوی علوم زمانه باشد.

۲- علل تحول و عوامل رویکرد به امارات علمی

۲-۱- کاهش اعتبار ادله سنتی و توجه به امارات علمی

یکی از عوامل مهم رویکرد به راه‌های علمی، کاهش اعتبار ادله سنتی اثبات جرم است که عبارتند از: اقرار، شهادت، علم قاضی و قسامه. هدف در این بند، بی‌اعتبار نشان دادن ادله مزبور نیست چرا

که در کشورهای اسلامی و از جمله ایران و حتی در کشورهای غیراسلامی مثل کشورهای اروپایی نظیر فرانسه، از این ادله در کنار راه‌های علمی استفاده می‌شود. کاهش اعتبار ادله یادشده، باعث رویکرد محاکم به راه‌های علمی، که پایه‌های توسعه در حال پیشرفت است، در جهان و ایران شده که همچون مطب پزشکان، متهم را در بدو ورود به دادگاه به مراکز آزمایشگاهی و پلیسی برای آزمایش در جرائم نظیر تجاوزات جنسی و اعتیاد و... ارجاع می‌دهند و اظهار نظر قضائی را به مرحله بعد از انجام این مراحل موکول می‌کنند.

۲-۲- کاهش اعتبار ادله سنتی اثبات جرم

چنان که اشاره شد، ادله اثبات جرم آن ارزش و اعتبار پیشین خود را دیگر ندارند و این ناشی از عوامل مختلف از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانی و... است.

۲-۲-۱- اقرار

اقرار زمانی را به خود دیده است که از آن به عنوان شاه دلیل و ملکه ادله استفاده می‌کردند و برای اخذ آن، اعمال شکنجه نه تنها معنی نداشت؛ بلکه توسط مقامات ذیصلاح توصیه هم می‌شد و قوانین وقت نیز توسل به شکنجه را برای گرفتن اقرار جایز می‌دانست.

ملاحظه می‌شود که اقرار در آن زمان صرف نظر از مقدار کاشفیت از واقع «موضوعیت» داشته است؛ اما اقرار، از منزلت والای خود پائین آمده و امروزه به عنوان یک ابزار و وسیله کشف واقع نگریسته می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

ادله نفوذ اقرار، اعم از آیات و روایات و حدیث: «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» (الحر العاملی، ۱۱۱) هر چند از این حین مطلق است؛ اما از مذاق شارع که مجازات شدن هیچ بی‌گناهی را بر نمی‌تابد و در جهت پرهیز از آن پیشوای مسلمین را به عفو و بخشش مجرمین ترغیب می‌کند.

در پایان باید یادآور شد که منظور از این بحث این نیست که اقرار به هیچ وجه اعتبار و حجیت ندارد؛ بلکه بر اعتبار آن دلایل فروانی از جمله آیاتی از قرآن و روایات و سیره عقلا دلالت دارد.

۲-۲-۲- شهادت

حجیت شهادت از نظر کلی مورد اتفاق آراء و اجماع مکاتب فقه اسلامی و یکی از ادله اثبات دعوا و بلکه مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود و قدر متیقن و مسلم، بینة شرعیه است (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۵۹). و برحمت آن آیات و روایات زیادی دلالت می‌کند؛ ولی از نظر حد نصاب و ارزش اختلافی وجود دارد. برخی شهادت را نسبت به اقرار، دارای ارزش کمتری دانسته‌اند؛ چرا که در اقرار، شخص مرتکب به اوضاع و احوال قضیه اشراف داشته و از آن خبری می‌دهد و این نکته به وضوح از آیه شریفه «بلکه

انسان بر نفس خود آگاه است» نیز استفاده می‌شود، در حالی که در شهادت، گواه، وقوع عمل را یا دیده و یا بدون واسطه شنیده است از این رو، می‌گویند شهادت در درجه دوم اهمیت نسبت به سایر دلایل اثبات دعوا محسوب می‌شود (شامیاتی، ۱۳۷۴: ۱۷۵).

۲-۲-۳- علم قاضی

در پاسخ به این سؤال که آیا در فقه اسلامی قاضی می‌تواند در حل و فصل دعوی و کشف حقیقت به علم خود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا عمل کند یا نه؟ اقوال مختلفی از طرف علما و دانشمندان اسلامی ابراز شده است. صرف نظر از اجماعی بودن جواز عمل بدان در مورد امام معصوم علیهم السلام (شهید ثانی، ۱۴۱۸: ۳۸۳) می‌توان گفت:

الف: علم قاضی مطلقاً یعنی هم در حقوق الناس و هم حقوق الله حجت است (قول مشهور فقهای امامیه).
ب: علم قاضی مطلقاً حجت نیست (قول اکثر فقهای عامه و ابن جنید).

ج: علم قاضی در حقوق الناس حجت است ولی در حقوق الله حجت نیست (طوسی، ۱۳۵۱: ص ۱۲).

د: علم قاضی در حقوق الله حجت است؛ ولی در حقوق الناس حجت نیست (قول دوم ابن جنید و آقای بهجت).

ه: علم قاضی اگر مستند به مبادی حس یا مبادی قریب به حس باشد، حجت است؛ ولی اگر مستند به مبادی حدسی و تراکم ظنون باشد، حجت نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۰۱).

۳- جایگاه ادله در حقوق الله

در مباحث کیفری، تفکیک دقیق حق الله و حق الناس از یکدیگر، یکی از مسائل مهم است که آثار فراوانی از حیثیت تعقیب و ارائه دلیل و از حیث عفو و گذشت دارد؛ زیرا ملاک جرائم قابل گذشت در نظام کیفری اسلام، حق الناس بودن آن است. مجازات‌هایی که شارع مقدس اعمال آنها را از وظایف خود حاکم قرار داده است؛ مانند مجازات زانی و زانیه؛ خواه آنان در اثر ارتکاب جرم متضرر باشند یا نه ... از حقوق الله محسوب می‌شوند» (آیت الله مرعشی، ۱۳۷۰: ۲۹۵).

به نظر می‌رسد که ادله اثبات جرم در جرائمی که جنبه خصوصی و حق الناسی ندارند، اعم از حدود و مجازات‌های تعزیری، جنبه «موضوعیت» دارد. بدین معنا که تعدی از ادله منصوص و استفاده از طریق دیگر جایز نیست؛ یعنی اسلام در حقوق الله جرائمی را مستوجب مجازات می‌داند که از راه‌های خاص خود ثابت شده باشد نه از هر راهی.

۴- جایگاه ادله در حقوق الناس

در مورد ملاک جدایی حق الله و حق الناس استاد گرانقدر حضرت آیت الله مرعشی، می‌فرمایند:

«مجازات‌هایی که اعمال آنها را شارع مقدس اسلام در اختیار شخص خاصی قرار داده است که از ارتکاب جرم متضرر شده است مانند حد قذف که شارع مقدس اسلام اجرای آن را در اختیار شخص مقذوف قرار داده است. این دسته مجازات‌ها را حق الناس می‌گویند.»

بیشتر پرونده‌های ورودی به دادگستری را پرونده‌های مربوط به حقوق الناس تشکیل می‌دهد و تحقق عدالت و عدم تحقق آن در این گونه پرونده‌ها بیشتر جلوه‌گر می‌شود لذا می‌توان گفت: احقاق حقوق الناس فلسفه وجودی دادگستری است و اگر دادگستری نتواند حقوق مردم را احقاق کند از دید مردم به‌ویژه زیان‌دیدگان پرونده‌ها، فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. این پرونده‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. به همین سبب می‌بینیم اسلام در این نوع پرونده‌ها رسیدگی جنایی را بر خلاف پرونده‌های حق الهی جایز می‌داند (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۸۱)، هم‌چنین شهادت فرع و شهادت تبرعی را به اتفاق نظر علما می‌پذیرد (الامام الموسوی الخمینی، ۱۴۰۸: ۴۴۹). از این رو دست قضات بایستی در رسیدگی به این پرونده‌ها فوق‌العاده باز باشد و از هر راه ممکن به کشف واقع رسیده و احقاق حق کنند. در این گونه دعاوی قضات نه تنها به مسامحه و تخفیف و اعمال در رسیدگی توصیه نشده‌اند؛ بلکه از آن منع شده و به دقت بیشتر و تلاش بی‌وقفه مکلف شده‌اند.

از این رو می‌بینیم شیوه قضاوت امیرالمومنین علی (ع) در حقوق الناس از جمله در قتل با شیوه قضاوت ایشان در حدود الهی کاملاً متفاوت است. ایشان در مورد اتفاقات مربوط به حدود الهی، تلاش داشتند که متهم اعتراف نکند یا اگر یک بار اقرار نمود، از اقرار بار بعدی صرف نظر کند؛ یا او را به تردید بیندازند و در استماع اقرار امروز و فردا می‌کردند؛ در حالی که در مورد قضایای مربوط به حق الناس می‌کوشیدند حق مردم را بازپس گیرند. و به همین سبب از روش‌های گوناگون برای اعتراف متهم استفاده می‌کردند (رازی زاده، ۱۳۸۰: ۱۳۹)، چنان که می‌بینیم آن حضرت در مورد رعایت شدن این شیوه در حق الناس در دعاوی قتل که توسط قاضی منصوب خود؛ یعنی شریح قاضی به شیوه متعارف حقوقی و بدون انجام تفحص لازم، رسیدگی و به ضرر اولیاء مقتول حکم کرده بود، اعتراض نموده و فرمودند: «ای شریح در مثل چنین دعوایی این چنین حکم می‌کنند» و سپس فرمودند: «در این مورد آن چنان حکم کنم که جز داوود نبی (ع) کسی حکم نکرده است» (طوسی، ۱۴۱۳: ۷۵).

۵- امارات علمی اثبات جرم با دستاوردهای علوم پزشکی

امارات علمی در اثر پیشرفت علوم و فناوری در رشته‌های مختلف در جهان در سال‌های اخیر به ویژه در قرن بیستم و خصوصاً در نیمه دوم آن ایجاد شده است. ما شیوه‌های علمی را به دلیل

غیرحقوقی و تخصصی بودن، تنها از زاویه‌ای که در اثبات جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی می‌کنیم؛ نه از حیث ماهیت و روش به کارگیری آنها، مثلاً یکی از راه‌های یادشده، تشخیص اصالت سند است که کارشناس خط، با استفاده از تجربه و اندوخته‌های خود و ابزار موجود در مورد آن نظر می‌دهد و منظور ما از ذکر کردن آن به عنوان یک نظر تخصصی و علمی که می‌تواند در مورد اثبات پاره‌ای از جرائم به کار رود؛ ذکر شیوه و تشخیص و ماهیت فنی آن نیست. برای مثال، دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که افزون بر اثر انگشت اشخاص، قرنیة چشم هیچ یک از افراد مانند همدیگر نیست که تعدادی از کشورهای پیشرفته برای واپایش ورودی و خروجی مراکز حیاتی، حساس و امنیتی خود از روش ابزار استفاده از قرنیة چشم بهره می‌برند.

۵-۱- آزمایش DNA

یکی از پیشرفته‌ترین روش‌های کشف جنایت، استفاده از اطلاعات مربوط به DNA است. امروزه کاربرد این روش با سرعت زیادی در حال گسترش است (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۱). مولکول‌های DNA به صورت رشته‌های نازک مضاعف و مانند کلاف نخ که به دور خود جمع شده باشد، در هسته سلول وجود دارد. تحقیقات در مورد DNA از سال ۱۸۶۹ شروع شده و برای اولین بار توسط دانشمند سوئیسی به نام «فردریک میشر» از سلول‌های چرکی و اسپرم ماهی آزاد استخراج شده است. DNA یا کد ژنتیکی هویت فرد از آنجا در سایر مسائل جنایی و کیفری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که اولاً، در افراد منحصر به فرد است و تکرار آن در فرد دیگری بعید و امکان‌ناپذیر است (گودرزی: ۱۳۷۷: ۵۴۹) و ثانیاً تمام سلول‌های بدن انسان - به جز گلبول‌های قرمز که فاقد هسته‌اند- از جمله قطره‌های خون، لکه‌های منی، پوست، استخوان، پیاز مو... حاوی DNA است و ثالثاً، چنان که امکان استخراج DNA در افراد زنده وجود دارد، در اجساد که مدت‌ها پیش در گذشته‌اند نیز وجود دارد. این امکان در موارد زیادی از جمله کشف هویت قربانیان ناشناخته و یا تشخیص اجساد از همدیگر در حوادث مختلف کاربرد دارد.

۵-۲- آزمایش منی و ترشحات مهبل

کشف لکه‌های منی و ترشحات مهبل در جرائم جنسی و جرائمی که همراه با تجاوز جنسی است، نظیر قتل زن، متعاقب عمل جنسی و تجاوز به عنف، از نظر اثبات وقوع جرم و تشخیص گروه خونی و ویژگی‌های ژنتیکی شخص متجاوز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کی‌نیا، ۱۳۴۵: ۱۷۶). راه‌های علمی اثبات جرم از جمله آزمایش مایعات منی و ترشحات مهبل، همواره در راستای اثبات جرم به کار نمی‌رود؛ بلکه از آنها به شکل قابل توجهی در ردّ دعاوی و اتهامات واهی و در

نتیجه تبرئه متهم استفاده می‌شود. چون در همه انواع جرائم به‌ویژه در جرائم جنسی بنا به علل مختلف، دعاوی علیه افراد بی‌گناه، زیاد اقامه می‌شود. که با استفاده از آزمایش یادشده می‌توان در اغلب موارد، واهی بودن ادعا را ثابت و متهم را تبرئه کرد. لازم به یادآوری است که یافت نشدن اسپرمتوزویید در مهبل زن مدعی و البسه و بدن وی لزوماً به معنی دروغ و واهی بودن ادعای زن نیست؛ هر چند ممکن است - چون برخی از بیماری‌ها باعث می‌شود برای همیشه یا مدتی کوتاه، در منی مرد اسپرمتوزویید وجود نداشته باشد و نیز برخی لکه‌های خشک منی ممکن است اسپرمتوزوییدهای موجود مرده و از بین رفته باشند؛ از این رو در این گونه موارد، باید دقت بیشتری به عمل آمده و حتماً آزمایش‌های شیمیایی تشخیص منی نیز انجام شود. مطمئن‌ترین و متداول‌ترین آن آزمایش اسید فسفاتاز است (نجابتی، ۱۳۸۱: ۱۷۷).

۵-۳- مرگ ناشی از حوادث

یکی از معضلات جوامع امروزی که هر چه قدر هم به طرف صنعتی شدن پیش می‌رود، بیشتر می‌شود، مرگ و میرهای ناشی از حوادث متفاوت است. یکی از بارزترین مصداق آن، مرگ و میر ناشی از حوادث کار است. با توجه به اینکه امروزه نزدیک به تمام نیازهای عمومی مردم توسط کارخانه‌های بزرگ و با استفاده از دستگاه‌ها و ماشین‌های تولیدی غول‌پیکر، تولید و به مردم عرضه می‌شود، به موازات آن مرگ و میرهای ناشی از کار با آن دستگاه‌ها همواره روبه‌رشد است؛ در نتیجه برای اظهار نظر در مورد تعیین مرگ و احراز رابطه سبب، این دسته از پرونده‌ها در سازمان پزشکی قانونی تشکیل می‌گردد.

۵-۴- تلقیح مصنوعی

«لقاح مصنوعی» عبارت است از داخل کردن نطفه مرد به وسیله ابزار پزشکی در رحم زن. «تلقیح مصنوعی» در فقه از دو نظر مورد بحث است: یکی از لحاظ حکم تکلیفی؛ یعنی جواز و نبود جواز آن که آیا از لحاظ حکم شرعی، لقاح مصنوعی مجاز است یا ممنوع؟ دوم از لحاظ حکم وضعی؛ یعنی طفلی که از این طریق متولد می‌شود، ملحق به پدر و مادر طبیعی خود است یا به هیچ کدام ملحق نمی‌شود؟ البته در حقوق مدنی، تنها از لحاظ حکم وضعی مورد بحث قرار می‌گیرد. طفل متولد از «لقاح مصنوعی» ممکن است به یکی از سه شیوه ذیل متولد شده باشد. اول: آنجایی است که زن به وسیله «لقاح مصنوعی» از منی شوهر حامله گردد که طفل متولد از آن، شرعی و قانونی است؛ زیرا تمام موارد عادی را دارد بدین معنی که در «لقاح مصنوعی» طفل از راه طبیعی و عادی، یعنی نزدیکی زن و شوهر شرایط لازم برای نسب ناشی از نکاح را داراست. در تحقق نسب، شرط

نیست که نطفهٔ مرد تنها از راه نزدیکی به رحم زن منتقل شود، (الامام الموسوی الخمینی، ۱۴۰۸: ۶۲۰)؛ بلکه به هر طریقی نطفهٔ شوهر به رحم زن منتقل شود، فرزند ملحق به آنان خواهد بود. دوم: در صورتی است که زن به وسیلهٔ لقاح مصنوعی از منی مرد اجنبی حامله شود، خواه آن زن شوهردار باشد یا بی شوهر. این مورد به دو صورت ذیل خواهد بود: کی؟ آنجا که مرد و زن جاهل به عمل «لقاح» باشند؛ مثل اینکه زن شوهرداری به پزشک مراجعه نموده و از حامله نشدن خود شکایت کرده و درخواست مداوای خود را نماید، پزشک به عنوان مداوا و شست و شوی رحم، نطفهٔ مردی را که برای تجزیه ی ماده ی حیاتی در آزمایشگاه خود داشته در رحم زن قرار دهد و زن بدین وسیله حامله گردد. در چنین صورتی، طفل ملحق به پدر (صاحب نطفه) و مادر طبیعی خود است؛ زیرا این طفل در ردیف ولد شبهه است، همان گونه که ولد شبهه ملحق به کسی است که جاهل به حرمت بوده است، در این مورد به طریق اولی ملحق به او خواهد بود. در همین صورت اگر یکی از مرد یا زن، جاهل و دیگری عالم باشد، نسبت به جاهل ولد شبهه بوده و نسب ثابت است و نسبت به عالم، نسبی در کار نیست. صورت دیگر این فرض این است که زن و مرد هر دو نسبت به عمل لقاح آگاهی داشته و با آگاهی آن دو لقاح مصنوعی انجام گرفته باشد، در این صورت هر چند زنا صورت نگرفته است ولی نظر بسیاری از فقها این است که این فرزند حکم ولد الزنا را داشته و به هیچ کدام از مرد و زن ملحق نمی شود؛ زیرا از لحاظ حکم تکلیفی، قرار دادن نطفه ی مرد اجنبی در رحم زن اجنبی، مجاز نیست و قهراً نمی توان از یک عمل نامشروع، نسب مشروع را ثابت کرد. (الامام الموسوی الخمینی، ۱۴۰۸: ۶۲۱)؛ ولی بعضی از فقها در این صورت نیز فرزند را ملحق به پدر و مادر طبیعی می دانند (طاهری، ۱۳۷۹: ۳۱۷)؛ هر چند که آن دو را در اصل این کار گنهکار و عاصی می دانند.

۶- گزارش کارشناسی و استفاده از ابزارهای جدید

به دنبال تکامل علم و صنعت، دعاوی مختلفی در محاکم دادگستری اقامه می شود که نوعاً داری جنبهٔ فنی و تخصصی است که اغلب دانش حقوق قضائی، پاسخگوی آن ها نیست؛ در نتیجه قضات برای آگاهی به زوایای مختلف قضایای مطروحه و رسیدن به واقع و صدور احکام عادلانه، ناگزیرند امر را به کارشناسی ارجاع دهند. ارجاع به کارشناس نه تنها مورد ترغیب و توصیهٔ مقنن و محاکم عالی دادگستری است، بلکه مورد ترغیب عقل و شرع مقدس اسلام نیز قرار گرفته است. قاعدهٔ «رجوع جاهل به عالم در همهٔ عرصه های مختلف» یکی از قواعد عقلی است. افزون بر آن، ظاهر آیات قرآن نیز در این مطلب استفاده می شود؛ چنانکه در برخی تفاسیر در ذیل آیهٔ

شریفه «... فسئلو اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون؛ اگر نمی‌دانید از اهل ذکر سوال کنید» (انبیاء، ۲۱). آیه یادشده بیانگر یک قاعده کلی عقلایی در مورد «رجوع جاهل به عالم» است، هر چند مورد مصداق آیه، دانشمندان اهل کتاب است؛ ولی این مانع کلیت قانون نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۶۱). از امام صادق (ع) نقل شده است: «دختر باکره‌ای را که ادعا می‌شد مرتکب زنا شده است، خدمت امیرالمؤمنین علی (ع) آوردند. آن حضرت به زنان قابله دستور دادند وی را معاینه کنند. زنان قابله بعد از معاینه وی، خدمت آن حضرت عرضه داشتند که وی باکره است. آن حضرت فرمودند: «من کسی را که از طرف خداوند دارای مهر (عفت) است حد نمی‌زنم...» (الحر العاملی، ۳۶۱)، در این روایت می‌بینیم آن حضرت، حتی در مورد حدود (جرم مورد ادعای شهود زنا بود که مستلزم اجرای حدود بود) به کارشناس مراجعه کرده و نظر ایشان را ملاک صدور حکم قرار می‌دهند.

۱-۶- انگشت‌نگاری

یکی از گزارش‌هایی که همواره توسط کارشناسان به محاکم دادگستری ارسال می‌شود، مربوط به آثار خطوط انگشتان به جای مانده در صحنه جرم از مرتکب یا مرتکبان عمل مجرمانه است و اغلب موارد به طور ناخودآگاه از مرتکب، آثار خطوط انگشت به جای می‌ماند که با بررسی آن توسط کارشناسان، نتایج قابل اعتمادی به دست می‌آید؛ چرا که مطابق تصریح کارشناسان فن، آثار انگشتان هر کس، منحصر به خود وی است (نجابتی، ۱۳۸۱: ۴۲).

۲-۶- نوارهای صوتی و تصویری و عکس

در دادگستری - که مرکز تنظیم و دادخواهی مردم است - پرونده‌های مختلفی تشکیل می‌شود تا مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد. مطالب متنوع و دلایل گوناگون ارائه می‌شود. در پرونده‌ای ممکن است نوار صوتی یا تصویری و نیز عکس به شکلی مطرح شود. اگر به عرف و عموم مردم مراجعه شود، آن‌ها این قبیل ابزارها را معتبر می‌دانند؛ اما موازین قضائی روش خاص خود را دارد و با جان و مال و آبروی شهروندان سر و کار دارد و به سادگی نمی‌تواند از کنار مسائل قضائی عبور کند. آنچه که می‌توان در اینجا گفت، این است که بایستی اصل اولی در مورد این قبیل وسایل، نبود اعتبار و نبود حجیت باشد؛ به‌ویژه در مسائل مهم قضائی؛ زیرا همه این‌ها قابل ساختن است و می‌توان به آسانی همه این‌ها را ساخت و به دادگاه ارائه کرد؛ به‌ویژه اینکه از طریق رایانه‌ای این امر بیش از پیش آسان شده است. آقای دکتر گلدوزیان در مورد اقرار که از طریق کنترل تلفن مجرمان و ضبط آن به دست می‌آید می‌گوید: «در این مورد اقرار می‌تواند به عنوان قرینه و اماره و علامت مورد قبول واقع شود» (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۲۹).

۷- مباحث فقهی ادله و قرائن قرآنی بر اثبات جرم، سنت، دلیل عقل و علم قاضی

۱-۲ ادله و قرائن قرآنی بر اثبات جرم

از برخی از آیات قرآنی استفاده می‌شود که اگر قوانین دلالت قطعی بر مطلبی بکنند، پذیرفته می‌شود (مظفر، ۱۴۰۳: ۳۳) که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف: آیه ۱۸ سوره یوسف: «وَجَاءَ وَ عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً...» آیه درباره داستان حضرت یوسف است که برادران وی آن حضرت را با التماس از پدر گرفتند و برای تفریح و تفرج به صحرا بردند و از سر کینه و حسادت ایشان را به درون چاه انداختند و به منظور رد گم کردن، پیراهن ایشان را به خون دروغین (خون بزغاله یا بره یا آهو) آغشته کردند تا وانمود کنند، به راستی یوسف را گرگ خورده است. شب‌هنگام، گریه‌کنان به پیش پدر که بی‌صبرانه انتظار یوسف را می‌کشید- آمدند و گفتند: «پدر جان ما رفتیم مشغول مسابقه (سواری، تیراندازی، و مانند آن) شدیم و یوسف را که کوچک بود و توانایی مسابقه با ما را نداشت، نزد ائاث خود گذاشتیم. ما آن‌چنان سرگرم این کار شدیم که همه چیز حتی برادر را فراموش کردیم و در این هنگام گرگ بی‌رحم از راه رسید و او را درید» و به عنوان شاهد قضیه، پیراهن یوسف را که صاف و سالم از تن وی در آورده و خون‌آلود کرده بودند. به پدرشان نشان دادند. پدر همین که چشمش بر آن پیراهن سالم افتاد، همه چیز را فهمید و گفت شما دروغ می‌گویید. بلکه هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته است. در برخی از روایات می‌خوانیم او پیراهن را گرفت و پشت رو کرد و صدا زد: پس چرا جای چنگال و دندان گرگ در آن نیست؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۴۱).

ب: آیه شریفه ۴۳ سوره نحل و آیه ۷ سوره انبیاء: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» آیه یادشده که در دو جای قرآن با الفاظ یکسان وارد شده (که نشان از اهمیت موضوع می‌دهد، مسلمان را به مراجعه به اهل فن و تخصص و خبره در تمام زمینه‌ها و عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی دستور می‌دهد، به این ترتیب «مسئله تخصص» نه تنها در زمینه مسائل اسلامی و دینی از سوی قرآن به رسمیت شناخته شده؛ بلکه در همه زمینه‌ها مورد پذیرش و تأکید است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۲۴۵). یکی از مسائل تخصصی رفع ابهام از جنبه‌های غیرحقوقی پرونده‌ها، توسط کارشناسان مربوطه اعم از پزشکی قانونی و پلیس علمی و ... است.

ج: برخی از آیات همچون آیه ۴۲ سوره مائده، ۲ آیه ۵۸ سوره نساء، ۳ آیه ۲۶ سوره ص ۴ به قضات دستور می‌دهد که مطابق قسط، عدل و حق حکم کنند. از این رو از آیات یادشده استفاده می‌شود که در اسلام هدف از قضا، احقاق حق و اجرای عدل است و قضات مأمورند که به این هدف متعالی

عمل کنند و عمل بدان و دستیابی به عدالت، نیازمند وسایل و ابزارهای است که می‌بایست در اختیار قضات قرار بگیرد. راه‌های علمی اثبات جرم می‌تواند از جمله این ابزارها تلقی شده و قضات را در رسیدن به هدف یادشده یاری کند.

۷-۱-۱- سنت و دلیل عقل

از جمله ادله اربعه در فقه اسلامی بعد از قرآن کریم، سنت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام و دلیل عقلی است. از یک طرف با توجه به اینکه قرآن کریم حاوی تمام احکام فقهی اسلامی نیست و تنها کلیات برخی از احکام را بیان می‌کند و از طرف دیگر، «اجماع» از نظر علمای شیعه کارایی چندانی به‌ویژه در فقه اسلامی ندارد. سنت و دلیل عقل از اهمیت فوق‌العاده‌ای در استنباط احکام برخوردار است.

۷-۱-۲ سنت

سنت که در اصطلاح فقهای اهل سنت به معنی قول، فعل و تقریر نبی اکرم (ص) و در اصطلاح فقهای امامیه، به معنی قول، فعل و تقریر معصوم اعم از نبی اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام است. (مظفر، ۱۴۰۳: ۶۱) و منظور از آن خود احادیث و روایاتی نیست که از ایشان به ما رسیده است، بلکه جریان‌هایی است که در زمان حضرت علی (ع) چه در دوران خلافت و چه در غیر آن اتفاق افتاد و آن حضرت با استفاده از شیوه‌های مختلف خارج از ادله سنتی قضیه را حل و فصل کردند که به چند مورد آن اشاره می‌گردد:

الف. در جریانی که پیش از این بیان شد (زنی با استفاده از سفیدی تخم مرغ در صدد متهم کردن جوان انصاری برآمد. آن حضرت با استفاده از آب جوش قضیه را حل و فصل و جوان انصاری را تبرئه کردند (تستری، ۱۳۹۰: ۲۲). شبیه همین جریان توسط زنی برای هووی وی اتفاق افتاد که هووی وی با سفیده تخم مرغ رختخواب او را آلوده ساخت و به شوهرش گفت: اجنبی با او هم‌بستر شده است. ماجرا نزد عمر مطرح گردید، عمر خواست زن را کیفر دهد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آبی بسیار داغ بیاورند و چون آوردند دستور داد مقداری روی آن سفیدی بریزند چون ریختند فوراً جوش آمده و بسته شد. آن حضرت جامه را نزد زن انداخت و به او فرمود: «این نیرنگ شما (زن) است و مکران بسیار است» آنگاه به مرد رو کرده، فرمود: زنت را نگهدار که این از تهمت‌های زندگی دیگر توست و فرمود: تا بر زن تهمت‌زننده حدّ افتراء را جاری کنند (تستری، ۱۳۹۰: ۲۳).

ب. تکیه بردست: زنی را نزد عمر آوردند. شوهر زن، مرد سالمندی بود که پس از واقعه با زن از دنیا رفته بود، و زن باردار شده و پسر زاییده بود. پسران پیرمرد از (زن دیگر) بر زن ادّعی زنا کرده بر آن گواهی دادند.

بدین وسیله می‌خواستند پسر زن را از ارث پدر محروم کنند. عمر دستور داد زن را سنگسار کنند، اتفاقاً امیرالمومنین علیه السلام از کنار زن عبور می‌کرد. چون نگاه زن به آن حضرت افتاد گفت: ای پسر عم رسول خدا کاغذی دارم. علی علیه السلام فرمود: کاغذت را ببینم. چون آن را مطالعه کرد، به همراهان زن رو کرده فرمود: این زن تاریخ ازدواج با شوهر و تاریخ هم‌بستر شدن با او و کیفیت آن را در این ورقه یادداشت کرده، زود باشید او را برگردانید. آنگاه روز دیگر آن حضرت، کودکی هم‌سن و سال آن کودک جمع نموده و کودکان را با پسر زن مشغول به بازی ساخت؛ چون سرگرم بازی شدند، به آنان فرمود: بنشینید! چون نشستند، بر آنان بانگ زد برخیزید. هنگامی که پسر زن خواست برخیزد، بر دو دست تکیه زد. امیرالمومنین از مشاهده این حالت پسر را پیش خوانده او را از پدر ارث داد و بر تمام برادرانش حد افتراء جاری کرد! عمر حیرت‌زده گفت:

یا علی چه کردی؟ حضرت فرمود: از تکیه پسر بر دست‌ها، ضعف پیرمرد را دریافتم (تستری، ۱۳۹۰: ۱۸۳). روایات و قضایایی که یاد شد. تنها بخش کوچکی از قضایایی است که معصومین علیهم السلام و به‌ویژه از حضرت علی (ع) نقل شده است. در قضایای یادشده، پیامبر بزرگ اسلام (ص) و حضرت علی (ع) پا را از ادله سنتی اثبات جرم فراتر گذاشتند و در هر کدام به شکلی از طریق امارات مختلف در حل و فصل قضایا و یا دعاوی استفاده کردند و این عملکرد ایشان نشان می‌دهد که استفاده از طرق گوناگون و امارات و قرائن مختلف در مسائل قضائی منع شرعی ندارد؛ چرا که فعل معصوم چنان که قبلاً گذشت، از مصادیق «سنت» است و دست کم دلالت «فعل معصوم» که همه اصولیین آن را می‌پذیرند، افاده اباحه است (مظفر، ۱۴۰۳: ۶۲).

۲-۲-۲-۲-۲ دلیل عقلی

دلیل عقلی یکی از ادله اربعه در فقه اسلامی است و به وسیله آن مستحدثات فقهی زیادی قابل حل است. آقای دکتر «محمد زحیلی» از حقوق‌دانان سوریه در مورد اعتبار قرائن در باب قضاء از منظر عقل چنین استدلال می‌کند: «تعداد زیادی از وقایع به وسیله شهادت و اقرار و کتابت قابل اثبات نیست، و ما اگر به قاضی اجازه استفاده از قرائن را که بیانگر حق و دال بر آن است ندهیم، حقوق مردم از بین می‌رود؛ در حالی که شارع حریص است برای اینکه حقوق مردم حفظ شده و به صاحبان آن برسد و قضاوت بر اساس قرائن با هدف شارع که همان اقامه عدل در میان مردم و رساندن حقوق به ذی‌حقان و برچیدن فساد از جامعه است، همخوانی دارد».

۲-۳-۳-۳-۳ اعتبار راه‌های علمی در پرتو علم قاضی

مشهور فقها قائل‌اند که قاضی می‌تواند در قضاوتش به علم خود عمل کند، عده‌ای نیز بر آن ادعای اجماع کرده‌اند.

محقق نجفی می‌گوید: بین شیعه اختلاف قابل توجهی در این که امام علیه السلام می‌تواند در قضاوت به نحو مطلق - چه در حق الله و چه در حق الناس - به علم خود عمل کند، وجود ندارد. دیگر قضاوت نیز می‌توانند به علم خود در حق الناس عمل کنند؛ لیکن در حق الله دو قول مطرح است. صحیح‌ترین آن دو، جواز عمل قاضی به علم خود است. در کتاب‌های انتصار، غنیه حکایت شده خلاف، نهج الحق و ظاهر سرائر، اجماع بر این حکم نقل و این اجماع حجت است (نجفی، ۸۸). در مقابل، برخی فقها به نبود جواز حکم قاضی به علم خود - به نحو مطلق یا در خصوص حق الله و یا در حق الناس - قائلند.

سید جواد عاملی می‌گوید: در کتاب نهاییه باب حدود و در وسیله و کشف الرموز آمده است که غیر امام تنها می‌تواند در حقوق الله به علم خود عمل کند. این مطلب در کتاب (الاحمدی للفقہ المحدثی، اثر ابن جنید) نیز نقل شده است. ابن جنید در سخنی دیگر که از او نقل شده، می‌گوید: برای قاضی مطلقاً جایز نیست به علم خود حکم کند. بنابر دیدگاه مذهب حنفی، قاضی می‌تواند در حوادثی که روی می‌دهد، با تکیه به علم شخصی خود قضاوت کند؛ یعنی علم قاضی به وقایع مورد اختلاف می‌تواند مستند قضاوت قاضی قرار گیرد و لازم نیست که مدعی برای اثبات ادعایش بینه اقامه کند؛ اما بنابر نظر شیعه، شرط است که قاضی، عادل و مجتهد مطلق باشد؛ بنابراین فرد ستمگر نمی‌تواند قضاوت کند و اگر قضاوت کند، حکمش نافذ نخواهد بود. در این صورت اگر قاضی به علمش عمل کند، فسادی به همراه نخواهد داشت؛ زیرا عدالت او مانع از ارتکاب گناه می‌شود. حال اگر فرد ستمگری منصب قضاوت را اشغال کند، نباید در مورد حق الله به علمش عمل نماید.

علم قاضی از دیدگاه محقق داماد: هرگاه قاضی از حقیقت دعوی آگاه باشد، نیازی به شنیدن دلایل دیگر (اقرار، شهادت و سوگند) ندارد. علم قاضی، افزون بر آن که ارزش اثباتی دارد، بر سایر ادله نیز مقدم است، اما اگر قاضی از حقیقت دعوی اطلاع نداشته باشد، شرعاً مکلف است بر دلایل دیگر اثبات دعوی اتکا کند و در پذیرفتن این دلایل ناگزیر از پیروی قواعد شرع است و فقها در باب عمل قاضی به علم خود نظراتی گوناگون دارند، آنچه آمد، نظر مشهور بود (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۴۹).

۸- وجوب نگهداری اسرار، آبرو و ستر و جرم‌پوشی مسلمانان:

مسئله وجوب نگهداری آبرو و اسرار مسلمانان و اصل ستر و جرم‌پوشی از جمله مسائل حیاتی است که باید همگان توجه عمیق‌تری نسبت به آن میدول دارند. از جمله وظیفه‌های بسیار سنگینی که دین اسلام به آن اهتمام ورزیده، نگهداری «حرمت‌ها، آبروی مسلمین، ستر و پنهان نگه‌داشتن» و پرهیز از جست‌وجو و تفتیش عقاید مردم و اسرار آنان است. اینک به دسته‌ای از

آیه‌ها و روایت‌هایی که در این باره ذکر شده‌اند، اشاره می‌کنیم.

۸-۱- دلالت آیات:

۱- خداوند متعال فرموده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ، وَ لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا، أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ** (سوره هجرات/۱۲).
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری گمان‌ها درباره دیگران بپرهیزید؛ به راستی که برخی از گمان‌ها گناه است. درباره همدیگر جاسوسی و کنجکاو می‌کنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟!

شیخ مرتضی انصاری (قدس سره) نیز (در مقام تفسیر این آیه شریفه) در کتاب مکاسب خود چنین فرموده است:

«خداوند مؤمن را برادر مؤمن و آبروی او را نیز مانند گوشت تن او قرار داده و از بین بردن آن آبرو (از راه غیبت و افشاگری اسرار و عیوب پنهانی مؤمنین) را نیز به منزله خوردن گوشت او معرفی فرموده است. این مسئله به خاطر این است که غیبت کردن درباره افرادی که حضور ندارند تا از خود دفاع کنند، به منزله این است که او را به صورت یک مرده فرض کرده باشند.» (شیخ انصاری، ۱۴۱۶: ۴۰).

۲- باز خداوند (در ضرورت حفظ اسرار و عیوب مردم و حرمت پخش آن) فرموده است: **إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا، لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** (نور، ۱۹).
کسانی که پخش کردن و شهرت دادن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند در این دنیا و سرای دیگر برای آنان عذابی دردناک است.

۸-۲- دلالت روایات:

الف: مفسران قرآن مجید با در نظر گرفتن روایت‌های رسیده از ائمه معصومین (ع) گفته‌اند منظور از «اشاعة فحشاء» در متن آیه شریفه همانا «افشاگری عیوب و اسرار مردم و غیبت کردن» آنان است (ابوهریره، ۳۳۱).

ب: در تفسیر قرطبی از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که فرمودند:

«خداوند خون مسلمان، آبروی مسلمان و بدگمان بودن درباره او را حرام کرده است.»

۹- تأثیر زمان و مکان در تغییر حکم به واسطه تغییر ملاک حکم

بدون شک احکام شرعی، تابع ملاکات، مصالح و مفسدند؛ البته ممکن است ملاک حکم، مجهول و مبهم باشد و یا به واسطه تصریح شارع، معلوم گردد. صورت اول خارج از بحث ماست؛ اما در

صورت دوم، حکم، تابع ملاک و معیاری است که شارع بیان کرده است؛ بنابراین چنانچه ملاک مشخص شده باقی باشد، حکم هم به قوت خود باقی می ماند؛ ولی اگر آن ملاک برحسب تغییر شرایط زمانی و مکانی تغییر کند، قطعاً حکم هم تغییر خواهد کرد. به عنوان نمونه، همه فقیهان معتقد بودند که خرید و فروش خون - به دلیل اینکه منفعت حلال ندارد - حرام است. این حکم هم چنان باقی بود تا این که علم کشف کرد خون دارای منافع حلالی است که اساس زندگی بشر بر آن استوار است؛ به گونه ای که هدیه خون به بیماران به منزله زندگی بخشیدن به آنهاست. در این شرایط خون ملاک دیگری پیدا کرده و در نتیجه، خرید و فروش آن حلال گردید. امام خمینی (ره) فرموده است: «طبق قوی ترین قول، استفاده از خون در غیر خوردن و همچنین خرید و فروش آن، جایز است». (الامام الموسوی الخمینی، ۱۴۰۸: ۵۷) بر این مبنا، فروش خون به بیماران و غیر آنها مانعی ندارد و به طریق اولی، مصالحه و انتقال حق اختصاص در مورد آن، به دیگری، جایز است. همچنین انتقال خون از بدن انسانی به بدن انسان دیگر و دریافت بهای آن پس از تعیین وزن آن با ابزارهای جدید، جایز است و در صورت جهل به وزن آن، می توان آن را مصالحه کرد. احتیاط این است که پول، در مقابل رضایت به اهدای خون گرفته شود نه در مقابل خود خون و تا آنجا که امکان دارد، نباید این احتیاط را ترک کرد.

«بریدن اعضای بدن مرده در اسلام حرام است. رسول خدا (ص) می فرماید: «إِذَا كَمِ وَالْمَثَلَةُ وَلَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ» (ارفع، ۱۳۷۹: ۱۶۸). از بریدن اعضای بدن مرده بپرهیزید، هر چند سگ هار باشد. بدیهی است که ملاک تحریم، بریدن اعضای بدن مرده به قصد انتقام جویی است و در آن دوران، برای این کار هیچ فایده ای جز پاسخ مثبت دادن به خواهش نفسانی وجود نداشته است؛ اما امروزه بریدن اعضای بدن مرده فواید زیادی دارد، به گونه ای که مسئله پیوند اعضا برای نجات کسانی که در حال مرگ هستند؛ ضروری به شمار می آید.

نتیجه گیری

با توجه به تحول و تعامل جوامع بشری در همه ابعاد زندگی بشر و به تبع آن تحول و تکامل در مسائل حقوقی، در حقوق جزایی اسلام ادله اثبات دعوا از جایگاه یکسانی برخوردار نیست، در اثر پیشرفت علوم و فنون و راه های جدید نسبت به کشف جرم، تعیین هویت مجرم و دستگیری وی و اثبات جرم ایجاد شده است که از آنها تحت عنوان «امارات علمی» یاد می شود این امارات، شامل دستاوردهای علوم پزشکی نظیر آزمایش های مختلف همچون آزمایش DNA، خون، ترشحات مهبل، پزشکی قانونی در رابطه با تشخیص قتل ها، کالبدشکافی، تلقیح مصنوعی و سایر علوم و

فنون همچون پلیس علمی؛ نظیر انگشت‌نگاری، تشخیص اصالت سند و... است که با کارگیری این‌ها ابهامات زیادی از پرونده‌های کیفری روشن شده، و راه حق از ناحق روشن و باعث ایجاد امنیت اجتماعی و اقتدار ملی و تأمین عدالت اجتماعی می‌شود. راه‌های علمی اثبات جرم از جمله آزمایش مایعات منی و ترشحات مهبل و غیره همواره در راستای اثبات جرم به کار نمی‌رود؛ بلکه از آنها به شکل قابل توجهی در ردّ دعاوی و اتهامات واهی و در نتیجه تبرئه متهم استفاده می‌شود؛ بنابراین نتایجی که درباره فرضیه تحقیق با توجه به موارد یادشده در متن اعم از (آیات قرآنی و روایات و بحث سنت و دلایل عقلی و غیره) استخراج گردید بدین شرح است: امارات علمی اثبات جرم که به روشن شدن زوایای مبهم پرونده‌ها به قضات کمک می‌کند، اگر مخالف ادله سنتی اثبات جرم؛ یعنی شهادت شهود، علم قاضی و اقرار متهم و اوضاع و احوال مسلم پرونده نباشد و با نظریه سایر متخصصان متضاد و متعارض نباشد، از نظر فقه جزائی اسلام حداقل در حقوق الناس که مورد اهتمام جدی شارع مقدس است. حجت و معتبر است. به‌ویژه در مواردی که به دلیل نبود ادله سنتی حقوق مردم در شرف تضییع است، به عبارتی فرضیه در حقوق الناس مورد تأیید است؛ ولی در حدود اسلامی که باید از روش‌های منصوص ثابت شود، به‌ویژه در جرائم عفا فی (حدود) که اصل ستر و جرم‌پوشی در مورد آن‌ها جریان دارد. راه‌های علمی قابل استناد نیست.

Archive of SID

منابع

۱. آشوری، محمد (زمستان ۱۳۷۹)، *آئین دادرسی کیفری*، تهران: سازمان سمت.
۲. آشوری، محمد (۱۳۷۹)، *عدالت کیفری*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳. آخوندی، محمود (زمستان ۱۳۸۲)، *آئین دادرسی کیفری*، تهران: نشر میزان.
۴. اردبیلی، محمدعلی (تابستان ۱۳۷۷)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان.
۵. انصاری، ولی الله (زمستان ۱۳۸۰)، *کشف علمی جرائم*، تهران: سازمان سمت، چاپ اول.
۶. باقر پور، یوسفعلی (۱۳۷۹)، *معاینات محلی در حقوق ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق و جرم شناسی دانشگاه مفید شهر یور .
۷. تستری، محمد تقی، *قضاوت‌های امیرالمومنین (ع)*، مترجم سید محمد موسوی.
۸. رازی زاده، محمدعلی (۱۳۸۰)، *قسامه در نظام قضائی اسلام*، چاپ دوم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. شامبیاتی، هوشنگ (زمستان ۱۳۷۴)، *حقوق کیفری اختصاصی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات ویستار.
۱۰. شکری، رضا و سیروسی، قادر (بهمن ۱۳۸۱)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، تهران: نشر مهاجر.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۲. قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی و الحاق ۱۳۷۶/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۳. قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۰.
۱۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
۱۵. قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۰.
۱۶. کتابخانه دیجیتال، آثار فقهی موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، جامعه فقه ۲ اهل بیت علیه السلام.
۱۷. کی نیا، مهدی، (۱۳۴۵)، *علوم جنایی تهران*: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. گلدوزیان، ایرج (پاییز ۱۳۸۲)، *ادله اثبات دعوا*، تهران: نشر میزان.
۱۹. گودرزی، فرامرز (۱۳۷۷)، *پزشکی قانونی*، تهران: انتشارات انیشتین.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی (بهار ۱۳۸۱)، *قواعد فقه* (بخش جزایی)، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی .

۲۱. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه **مجموعه نظریات مشورت فقهی در امور کیفری**، (۱۳۸۳)، قم: نشر قضا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، (۲۰۱۰، ۹، ۸، ۴، ۲، ۱)، (۲۲، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۴، ۲، ۱).
۲۳. نجابتی، مهدی (پاییز ۱۳۸۱)، **پلیس علمی**، (کشف علمی جرائم) چاپ دوم تهران: سازمان سمت.
۲۴. **نهج البلاغه** (۱۳۷۹)، مترجم سید کاظم ارفع، انتشارات فیض کاشانی.
۲۵. القرآن الکریم.
۲۶. الانصاری، مرتضی (۱۴۱۶)، **فراید الاصول**، الطبعة الخامسة، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۷. التجکانی، محمد الحبيب، **نظریه العامه للقضاء والاثبات فی الشریعه الاسلامیه**، بغداد دارالشئون الثقافیه العامه، بی جا، بی تا
۲۸. الحرالعالمی، محمد بن الحسن، **وسایل الشیعه**، بیروت، دارالاحیاء، التراث العربی، بی جا، بی تا، (جلدهای ۱۶، ۱۷، ۱۸)
۲۹. السید خوئی، و الشیخ جواد التبریزی، **صراط النجاة**: ۴۴/۲
۳۰. الزحیلی، محمد (۱۴۲۳)، **التنظیم القضائی فی الفقه الاسلامی**، دمشق، دار الفکر، الطبعة الثانی، جمادی الاول.
۳۱. (الشهید الثانی) زین الدین بن علی العاملی، **الروضه البهیة**، بیروت، دارالحکم الاسلامی، بی جا، بی تا.
۳۲. الشیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴.
۳۳. الطوسی، محمد بن الحسن، الطبعة الثانیة (۱۴۱۳)، **تهذیب الاحکام**، بیروت، دارالاضواء.
۳۴. الطوسی، محمد بن الحسن (۱۵۳۱)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران: المکتبه، المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۳۵. المظفر، محمدرضا، الطبعة الرابعه، (۱۴۰۳)، **اصول الفقه**، بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
۳۶. المظفر، محمدرضا (۱۴۰۲)، **المنطق**، بیروت، دارالمعارف للمطبوعات، بی جا.
۳۷. (الامام) الموسوی الخمینی، السید روح الله، شعبان المعظم (۱۴۰۸)، **تحریر الوسیله**، قم: دار الکتب العلمیه، موسسه اسماعیلیان الطبعة الثالثه.